



Original Research Paper

The lives of people with disabilities on Instagram: The body as a promising medium

Baharak Mahmoodi^{1*}, Samira Alilou²¹ Faculty member, Faculty of Communication Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran² Graduate of Master's degree in Media Management, Faculty of Communication Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

Received: Dec. 25, 2024

Accepted: Mar. 10, 2025

The aim of the present study is to examine how the body is represented on the Instagram pages of Iranian influencers with disabilities. Using netnography and thematic analysis, this study investigates the activities of ten Iranian influencers with disabilities over a six-month period. The data analysis yielded four main themes: my capable self, my beautiful body, my unique everyday life, and my happy family. These themes indicate that the influencers under study, drawing on the affordances of the Instagram platform, seek to create an alternative and inspirational narrative of their bodies and their everyday lived experience. Their published content contains elements of hope, manifested in notions such as acceptance, effort, purposiveness, perseverance, gratitude, sports, art, motivation, and success. The findings of the study show that through the deliberate representation of their bodies, these individuals attempt to redefine the social understanding of disability and ability. By simultaneously showcasing their capabilities and acknowledging their limitations, they construct a new image of the body and contribute to positive role-modeling in the public sphere, an endeavor that may lead to a deepened social understanding, shifts in attitudes, and improvements in the quality of life of persons with disabilities.

Keywords: Disability, Body as Media, Influencer, Instagram, Netnography

* Corresponding Author ✉ Baharak.mahmoodi@Gmail.com 📞 +98 9129451772 🆔 0000-0002-5606-4797

Cite to this article:

Mahmoodi, B., & Alilou, S. (2025). The lives of people with disabilities on Instagram; The body as a promising medium. *Digital Socio-Cultural Studies*, 1(1), 1-23. doi:10.22035/scds.2025.5571.1010

https://www.scds.ir/article_546.html



© The authors retain the copyright and all publication rights. Full access to the article is freely available under the Creative Commons CC BY 4.0 license. (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

مقدمه

روزانه میلیون‌ها عکس در شبکه اجتماعی اینستاگرام به اشتراک گذاشته می‌شود که بخش زیادی از آن‌ها، بازنمود تصویر خود کاربران است (Ameli, Nazemi & Sabbar, 2020; Ardekani Fard & Razavizadeh, 2024). اینستاگرام، فضایی را برای کاربران فراهم کرده است تا افزون‌بر نمایش بدن خود در فضای مجازی، به شیوه‌های گوناگونی امید را به مخاطبان خود منتقل کنند. بدن، به‌عنوان یک رسانه امیدبخش می‌تواند از طریق صفحات اینفلوئنسرهای دارای معلولیت مطالعه شود. اینفلوئنسرهای می‌توانند با به اشتراک‌گذاری تجربه‌های شخصی خود و راه‌های مؤثر برای مدیریت و بهبود وضعیت بدن، الهام‌بخش افراد بوده و آن‌ها را به انجام تغییرات مثبت در زندگی خود تشویق کنند. در واقع، آنان می‌توانند به‌عنوان الگوهای مثبت برای افرادی که با چالش‌های فیزیکی یا روانی روبه‌رو هستند، عمل کنند. آنان نشان می‌دهند که با وجود محدودیت‌ها، همچنان می‌توان زندگی فعال و سالمی داشت. این نوع ارتباط و ارائه مطالب مفید می‌تواند به افراد کمک کند تا احساس تشویق و پشتیبانی کنند و به آن‌ها امید بدهد که می‌توانند تغییرات مثبتی در زندگی خود ایجاد کنند. افزون‌براین، این نوع صفحات می‌تواند برای افراد دیگر نیز آگاهی‌بخش باشد و آن‌ها را به درک بهتری از چالش‌ها و شیوه‌های رویارویی با افراد با توانایی محدود برساند. به‌طور کلی، صفحات اینفلوئنسرهای دارای معلولیت می‌تواند نوعی رسانه مفید و امیدبخش برای تشویق و الهام‌بخشی به افراد باشد و نقش مهمی در تغییر نگرش‌ها و ارتقای شرایط زندگی افراد با توانایی‌های محدود داشته باشد. این نوع ارتباطات و تأثیرگذاری می‌تواند به ترویج فرهنگ احترام و توجه به نیازهای افراد با توانایی‌های محدود کمک کند و سبب ایجاد فضایی شود که همه اعضای جامعه بتوانند به‌گونه‌ای مساوی در آن شرکت کنند. به بیان روشن‌تر، آن‌ها می‌توانند نقش مؤثری در ارتقای حقوق و شرایط زندگی افراد با توانایی‌های محدود داشته باشند و سبب بهبود فرصت‌های آنان در جامعه شوند.

امیدواری در اینستاگرام می‌تواند به‌عنوان یک نیروی محرک برای کاربران عمل کند. با توجه به اینکه اینستاگرام یکی از پرطرفدارترین شبکه‌های اجتماعی است (Taheri Kia, 2023; Veisi, Zokaei & Entezari, 2023) انتشار پست‌هایی که محتوای آن‌ها به امید به زندگی مربوط می‌شود، می‌تواند تأثیر بسزایی بر روحیه و انگیزه افراد داشته باشد. همچنین، در دنیای پرنگرانی امروزی، انتقال پیام‌های امیدوارکننده که دنبال کردن اهداف و رؤیاهای شخصی را تشویق می‌کند، اهمیت بسزایی دارد. در این پژوهش، سعی بر این است که نقش شبکه‌های اجتماعی در بازنمود بدن، چونان رسانه‌ای امیدبخش، به‌ویژه در صفحات اینفلوئنسرهای دارای معلولیت در شبکه اجتماعی اینستاگرام، بررسی شود.

۱. پیشینه‌ی پژوهش

بیشتر پژوهش‌های داخلی مربوط به ابعاد گوناگون حضور اینستاگرام در زندگی کاربران ایرانی که در این سال‌ها انجام شده‌اند، فارغ از کمی یا کیفی بودنشان، تأثیرهای گوناگون این شبکه اجتماعی را از ابعاد گوناگون بر زندگی کاربران مطالعه کرده‌اند. موضوع پژوهش‌های انجام‌شده در کشورهای مختلف، اگرچه متنوع است، اما دو نکته در همه این پژوهش‌ها تاحدی مشترک است؛ نخست اینکه آنان به کاربردهای مختلف اینستاگرام در کار و زندگی انواع کاربران، توجه نشان داده‌اند؛ نکته دوم اینکه شناسایی ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی استفاده کاربران از اینستاگرام و نقش آن در هویت‌سازی‌های جدید، از مسائل موردعلاقه‌شان بوده است.

بطورمثال می‌توان به نوشته رادودراد و گیشنیزجانی (2017) با عنوان «گونه‌شناسی الگوهای بازنمایی بدن رسانه‌ای کاربران ایرانی در اینستاگرام» اشاره کرد که چگونگی بازنمود بدن رسانه‌ای کاربران ایرانی را در شبکه اجتماعی اینستاگرام بررسی کرده‌اند. این پژوهش از وجود سه تیپ بدنی اجتماعی، نمایشی، و زیبایی‌شناختی در اینستاگرام صحبت کرده و به دو سبک بدن اجتماعی، یعنی بدن آشکار و بدن پنهان اشاره می‌کند.

مراقی و خانیکی (2022) در پژوهشی با عنوان «تحلیل نشانه‌شناختی بدنمندی در میان کاربران زن اینستاگرام (مطالعه موردی دو طراح لباس: آناشید حسینی و الهه جهادگر)»، به تحلیل نشانه‌شناختی بدنمندی در میان کاربران زن اینستاگرام (مطالعه موردی دو طراح لباس: آناشید حسینی و الهه جهادگر) پرداخته و به این نکته اشاره کرده‌اند که با فراگیری شبکه‌های اجتماعی تصویرمحور، فرهنگ بدنمندی در ایران، دستخوش تغییراتی شده است و نمایشی شدن زندگی روزمره، در حال دگرگون کردن جنبه‌های مهمی از فرهنگ و جابه‌جایی در مرزهای حریم خصوصی است.

عبدالصمدی و همکاران (2022) در پژوهشی با عنوان «شناخت بازنمایی افراد دارای معلولیت در رسانه‌های ایران»، بازنمایی افراد دارای معلولیت در رسانه‌های ایران را با رویکرد کیفی بررسی کرده‌اند. براساس نتایج این پژوهش، تأسیس شبکه‌های رادیویی-تلویزیونی و تخصیص بخشی از اخبار خبرگزاری‌ها به جمعیت معلول کشور و به‌کارگیری هنرمندان دارای معلولیت در عرصه‌های هنرهای نمایشی تئاتر و سینما می‌تواند موجب بازنمایی بهتر و ارتقای سطح اجتماعی زندگی این افراد شود.

روبرتسون در پژوهشی، تأثیر رسانه‌ها و استانداردهای زیبایی بر تصویر بدنی زنان دارای معلولیت بینایی را بررسی کرده است. وی در این راستا، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و عمیقی با شش زن نابینا

یا کم‌بینای دانشگاهی انجام داده که بر تجربه‌های زندگی آن‌ها و قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها متمرکز بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان، تصویر مثبتی از خود داشته‌اند (Robertson, 2019).

تولان نیز در پژوهش خود، موضوع توسعه‌ی هویت در میان جوانان معلول در اینستاگرام را واکاوی کرده است. این مطالعه، راه‌هایی را بررسی می‌کند که در آن جوانان معلول، از اینستاگرام به‌عنوان بستری برای توسعه‌ی هویت خود و ایجاد اجتماع، چه برخط و چه خارج از شبکه استفاده می‌کنند. پژوهش یادشده، منحصر به فرد بودن اینستاگرام را به‌عنوان ابزاری برای ارائه‌ی خود و اهمیت مطالعه‌ی معلولیت و رابطه‌ی آن با شیوه‌های فعلی اینترنتی نشان می‌دهد (Tollan, 2020).

استکینگر، در پژوهشی، تصویر بدن را در میان جامعه‌ی اینفلوئنسرهای معلول مطالعه کرده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حساسیت‌های پست فمینیستی، افراد ناتوان را مطیع فرمان‌های سرمایه‌داری و خوش‌بینی بی‌رحمانه‌ی همراه با آن می‌کنند. پیوند بین موفقیت معلولان و ظاهر فیزیکی، فعالیت‌های ناشی از معلولیت را پنهان می‌کند و یک بدن معلول ایده‌آل را ارائه می‌دهد. سرانجام، اینفلوئنسرهای معلول از همان الگوهایی پیروی می‌کنند که خواهان برهم زدن آن بوده‌اند (Stockinger, 2020).

بونیلاد ریو و همکاران در پژوهشی با عنوان «اینفلوئنسرهای دارای ناتوانی جسمی در اینستاگرام: ویژگی‌ها، دیده شدن، و همکاری تجاری» رسانه‌ی اجتماعی اینستاگرام را به‌عنوان فضایی برای ارتباط و دیده شدن اینستاگرام‌های دارای معلولیت از اروپا و آمریکای لاتین بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ناتوانی در ۸۵ درصد از پست‌های انتشار یافته، چه در عکس‌ها یا ویدئوهای به‌اشتراک گذاشته‌شده، در متن پست، هشتگ‌ها، یا شکلک‌ها قابل مشاهده است. اگرچه در محتوای سمعی و بصری، به میزان بیشتری دیده می‌شود. سرانجام، این نتیجه به‌دست آمده است که استفاده از هشتگ در این پلتفرم‌ها، سبب افزایش آگاهی اجتماعی شده و در نهایت امکان ادغام اجتماعی افراد دارای معلولیت را تقویت می‌کند (Bonilla-del-Río et al, 2022).

۲. چارچوب مفهومی پژوهش

درباره‌ی تعریف «معلولیت» باید این نکته را در نظر داشت که تعریف این مفهوم بر این اساس که «افراد دارای معلولیت، چگونه خود را مشکل‌دار و پیچیده می‌دانند» متفاوت و دارای ابعاد گوناگونی است

دیدگاه افراد است. (Kaplan, 2000, pp.356-357). این پیچیدگی ناشی از گسترده بودن تعریف و متفاوت بودن آن برپایه دیدگاه افراد است.

براساس قانون برابری بریتانیا در سال ۲۰۱۰، اگر نقص جسمی یا ذهنی‌ای داشته باشید که تأثیر چشمگیر یا بلندمدتی بر توانایی شما برای انجام فعالیت‌های عادی روزانه داشته باشد، شما از کارافتاده به‌شمار می‌آید (Equality Act, 2010). برپایه این قانون، کسی «دارای معلولیت» به حساب می‌آید که یا دارای نقص جسمی یا ذهنی باشد یا اختلالی، اثر نامطلوب چشمگیر و بلندمدتی بر توانایی وی برای انجام فعالیت‌های عادی روزمره داشته باشد.

برپایه قانون حمایت از معلولان مصوب مجلس شورای اسلامی ایران، فرد دارای معلولیت، شخصی است که با تأیید کمیسیون پزشکی توانبخشی، تعیین نوع، و تعیین شدت معلولیت سازمان بهزیستی کشور با انواع معلولیت‌ها در اثر اختلال و آسیب جسمی، حسی (بینایی، شنوایی)، ذهنی، روانی، یا به‌طور هم‌زمان، با محدودیت قابل توجه و مستمر در فعالیت‌های روزمره زندگی و مشارکت اجتماعی، مواجه باشد (Majlis Research Center, 2017).

در پژوهش حاضر، زمانی که از فردی به‌عنوان فرد «دارای معلولیت» یاد می‌کنیم، منظور هر فردی است که دارای نقص جسمانی باشد. این نقص، دربردارنده ناتوانی‌های قابل مشاهده یا نامرئی، بدون توجه به درجه و شدت است؛ بنابراین، هر کسی که از کمک پزشکی استفاده می‌کند، بیماری مزمن دارد، یا دارای نقص جسمی است، «فرد دارای معلولیت» نامیده می‌شود. همچنین، فرد «توانا»، کسی است که با اختلالات جسمی طولانی‌مدت، از جمله بیماری‌های مزمن روبه‌رو نشده باشد.

۳. الگوی اجتماعی معلولیت

الگوی اجتماعی معلولیت، نخستین بار توسط مایک اولیور^۱، فعال معلول، ابداع شد، که استدلال می‌کند، «افراد با هر نوع نقص اعتباری توسط جامعه‌ای ناعادلانه و بی‌توجه ناتوان می‌شوند» (Barnes, 2014, pp.92-93). به بیان روشن‌تر، دلیل اینکه افراد معلول، مانند افراد توانمند زندگی نمی‌کنند، آسیب‌دیدگی آن‌ها نیست، بلکه این است که جامعه برای افراد توانمند ساخته شده است. به‌طور دقیق‌تر، برپایه الگوی اجتماعی معلولیت، فردی که روی ویلچر نشسته است، به دلیل ناتوانی در راه رفتن، معلول نیست، بلکه به این دلیل معلول است که در جامعه‌ای زندگی می‌کند که ساختمان‌های قابل دسترسی ندارد. بسیاری، هنوز ناتوانی را به‌عنوان یک مشکل پزشکی می‌بینند که زندگی فرد را مختل می‌کند، اما الگوی

1. Mike Oliver

اجتماعی معلولیت، ما را مجبور می‌کند که از دریچه متفاوتی بر ناتوانی تمرکز کنیم. درک اینکه چگونه جامعه، مانع زندگی افراد معلول می‌شود، می‌تواند به فعالان کمک کند تا جامعه‌ای فراگیرتر ایجاد کنند و نحوه رفتار مردم با افراد دارای معلولیت را تغییر دهد. به‌طور کلی، با الگوی اجتماعی، «مسئولیت از فرد دارای نقص یا ناتوانی، به محدودیت‌های تحمیل‌شده توسط ساخت محیط اجتماعی و فیزیکی و نگرش نهادها و سازمان‌ها منتقل می‌شود» (Johnstone, 2012, p.20).

نمودار شماره ۱ (۱) نموداری از الگوی اجتماعی معلولیت است و نشان می‌دهد که چگونه آموزش، خانواده، محیط، اشتغال، اوقات فراغت و نگرش‌ها در درمان یک فرد معلول نقش دارند.



نمودار شماره ۱: نمودار الگوی اجتماعی معلولیت (جانستون، ۲۰۱۲، ۲)

بسیاری از سازمان‌ها از این الگوی اجتماعی به‌منظور ایجاد برابری برای افراد دارای معلولیت استفاده می‌کنند. هدف این سازمان‌ها، شکستن برچسب افراد معلول و ایجاد سیاست‌هایی است که بتواند آن‌ها را بهتر در جامعه ادغام کند. یکی از تأثیرگذارترین سازمان‌ها در تاریخ تفکر الگوی اجتماعی، اتحادیه معلولان جسمی علیه جداسازی است. اعضای این اتحادیه استدلال می‌کنند که «ناتوانی، چیزی است که به سبب منزوی شدن و طرد شدن غیرضروری ما از جامعه به‌دلیل کاستی‌های ما تحمیل می‌شود» (Barnes, 2014, p.112).

الگوی اجتماعی معلولیت در دنیای مدرن ما نیز مهم است؛ به‌ویژه زمانی که صحبت از رسانه‌های اجتماعی می‌شود. هنگام درک پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام، فیس‌بوک، و تیک‌تاک، مهم است که بدانیم، چگونه این برنامه‌ها مانع نمایش‌پذیری تولیدکنندگان محتوای دارای معلولیت می‌شوند. به‌طور خاص، درک این نکات که چرا هنگامی که اینفلوئنسرهای دارای معلولیت، نظرات منفی‌ای دریافت می‌کنند، به‌اندازه اینفلوئنسرهای توانا در معرض نمایش قرار نمی‌گیرند و محتوای آن‌ها مسدود می‌شود، یا اینکه چرا کاربران توانا در معرض محتوای مربوط به معلولیت قرار نمی‌گیرند، مهم است که هنگام تشریح ساختارها، موردتوجه قرار گیرد. به‌طور کلی، مطالعات معلولیت و الگوی اجتماعی، اهمیت تجزیه‌وتحلیل عناصر زمینه‌ای را که زندگی افراد معلول را از کار می‌اندازند، برجسته

می‌کند؛ بنابراین، هنگام انجام مطالعات، بسیار مهم است که همهٔ عناصر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و ساختاری تأثیرگذار بر زندگی افراد معلول را در نظر بگیریم.

۴. نمایش گزینشی خود در رسانه‌های اجتماعی

نمایش گزینشی^۱، به کاربران اجازه می‌دهد تا خود را در فضای برخط به گونه‌ای گزینشی نشان دهند و شامل «تلاش آگاهانه برای انجام رفتارهایی در راستای ایجاد یک شخصیت دلخواه برای مخاطب» است (Fox & Vendemia, 2016, p.594).

نکتهٔ مهم این است که در این فضا، کاربران از زمان کافی برای بازبینی اطلاعات به اشتراک گذاشته شده از طریق ایمیل‌ها، تابلوهای گفت‌وگو، و سایت‌های دوست‌یابی برخط، برخوردار باشند؛ اما، هنگامی که رسانه‌های اجتماعی عکس‌محور مانند اینستاگرام و فیس‌بوک رواج یافت، خودنمایی عکاسانه به عامل مهمی در شیوهٔ نمایش برخط افراد تبدیل شد. فیلترها، فتوشاپ، و دستکاری‌های دیجیتالی دیگر به کاربران اجازه می‌دهند که عکس‌های خود را تغییر دهند تا «خود را به شکل‌های مثبتی نشان دهند و به اهداف اجتماعی‌شان برسند» (Fox & Vendemia, 2016, p.594).

توسعهٔ هویت شخصی از طریق ارائهٔ خود، بخش بنیادین رسانه‌های اجتماعی بوده و با عزت‌نفس بالاتر مرتبط است (Gonzales & Hancock, 2011, p.82). مطالعات انجام شده، جنبه‌های مثبت عزت‌نفس و اعتماد به نفس را هنگام ارائهٔ برخط خود، به دقت نشان داده‌اند. با این حال، همان‌گونه که نظریهٔ مقایسهٔ اجتماعی نشان می‌دهد، افراد، خود را از طریق مقایسهٔ خود با افرادی مانند خودشان ارزیابی می‌کنند. درحالی‌که ارائهٔ خود می‌تواند به لحاظ روانی برای فردی که پستی را به اشتراک می‌گذارد، مفید باشد، می‌تواند چرخه‌ای از استانداردهای زیبایی غیرواقعی را آغاز کند. مقایسهٔ اجتماعی، مردم را به این باور رسانده است که «دیگران شادتر هستند و زندگی بهتری در مقایسه با خودشان دارند» (Cramer, et al., 2016, p.743).

این نوع مقایسهٔ برخط سبب ایجاد چرخه‌ای از استانداردهای بدن غیرواقعی می‌شود که توسط افرادی ایجاد می‌شود که با ارائهٔ دقیق خود به شکل برخط و خاص، اعتماد به نفس و عزت‌نفس پیدا می‌کنند. این موضوع با گسترش نفوذ فرهنگی اینفلوئنسرها تداوم یافته است؛ زیرا، افرادی که دنبال‌کنندگان زیادی دارند، خود را به شکل برخط ارائه می‌دهند و به طور بالقوه، استانداردهای غیرواقعی را منتشر می‌کنند.

۵. روش پژوهش

روش به‌کاررفته برای انجام پژوهش حاضر، کیفی و مبتنی بر تحلیل داده‌ها از طریق رویکرد ننتوگرافی (مردم‌نگاری شبکه‌ای) است. ننتوگرافی، به‌عنوان شاخه‌ای از مردم‌نگاری، بر مشاهده مشارکتی در بسترهای دیجیتال استوار بوده و مستلزم این است که پژوهشگر، هم‌زمان در کنش اجتماعی که قصد مستندسازی آن را دارد، مشارکت و مشاهده داشته باشد (Hume & Malcock, 2004, p.365).

از آنجاکه تمرکز این پژوهش بر نحوه بازنمایی بدن توسط اینفلوئنسرهای ایرانی دارای معلولیت در اینستاگرام است، صفحات اینستاگرامی این افراد به‌عنوان واحد مشاهده برگزیده شده‌اند. این صفحات همچون بستری برای شکل‌گیری جهانی مجازی و موازی با واقعیت عمل می‌کنند؛ فضایی که در آن اینفلوئنسرها با به‌اشتراک‌گذاری محتوا و تعامل با مخاطبان، به خلق معنا در زندگی روزمره می‌پردازند. به‌همین سبب، اینفلوئنسرهای ایرانی دارای معلولیت، واحد تحلیل این پژوهش را تشکیل می‌دهند تا چگونگی بازنمایی بدن و هویت آنان در این بستر مجازی واکاوی و مطالعه شود.

در این مطالعه، به‌طور مشخص، آن‌دسته از حساب‌های کاربری افراد دارای معلولیت بررسی شده‌اند که روایت‌ها و تصاویر زندگی روزمره خود را با تمرکز بر فعالیت‌های ورزشی، پیام‌های الهام‌بخش، و بازنمایی مثبت بدن به‌اشتراک می‌گذارند. برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، ۱۰ اینفلوئنسر دارای معلولیت به‌مدت شش ماه به‌صورت مستمر، بررسی و مشاهده شدند. در این بازه زمانی، همه کنش‌های دیجیتال آن‌ها (از جمله استوری‌ها، پست‌ها، تصاویر، تعداد لایک‌ها، نظرات، واکنش‌ها به کامنت‌ها، کپشن‌ها و هایلاپت‌ها) بررسی شد. پست‌ها به‌گونه‌ای هدفمند انتخاب شدند؛ به‌گونه‌ای که هم‌راستا با پرسش پژوهش باشند و درعین حال، در میان محتواهای منتشرشده، از ویژگی تکرارپذیری برخوردار باشند تا بتوان تحلیل‌هایی قابل‌اتکایی ارائه داد.

برای انتخاب اینفلوئنسرهای دارای معلولیت، معیارهای زیر را در نظر گرفته‌ایم:

۱. بیش از بیست‌هزار دنبال‌کننده داشته باشند؛
۲. کاربران فعالی که دست‌کم به‌مدت یک سال، فعالیت پیوسته در اینستاگرام داشته باشند؛
۳. مؤلفه‌های متفاوت با یکدیگر داشته باشند (مانند نوع معلولیت، جنسیت، و...)
۴. وضعیت صفحه آن‌ها عمومی باشد.

۶. یافته‌های پژوهش

در این بخش، یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل محتوای حساب‌های کاربری نمونه‌های انتخابی

ارائه شده است. تمرکز اصلی بر بررسی تصاویر منتشرشده و متن کپشن‌ها در صفحات اینستاگرامی اینفلوئنسرهای دارای معلولیت است. این توصیف‌ها با هدف استخراج مؤلفه‌ها و الگوهای تکرارشونده در نحوهٔ بازنمایی خود، بدن، و سبک زندگی انجام شده‌اند. فرایند تحلیل، به‌گونه‌ای طراحی شده است که نخست، توصیف کیفی تصاویر و متن‌ها ارائه شود تا از دل این توصیف‌ها، امکان دسته‌بندی مضمونی و شناسایی تم‌های اصلی و فرعی فراهم شود. جزئیات موجود در معرفی هر حساب کاربری، همراه با تحلیل تصاویر و مطابقت آن‌ها با شرح‌عکس‌ها و متن‌های همراه، به‌منزلهٔ گام‌های مقدماتی برای رسیدن به طبقه‌بندی نهایی مضامین در نظر گرفته شده‌اند. این طبقه‌بندی‌ها به پژوهشگر امکان می‌دهند تا از سطح توصیف گذر کرده و سازوکارهای بازنمایی هویت، بدن، و معلولیت را در چارچوب پلتفرم اینستاگرام تبیین کند. به‌بیان روشن‌تر، این بخش، نه‌تنها بازخوانی داده‌ها، بلکه بستری برای درک نحوهٔ شکل‌گیری معنا و تفسیر اجتماعی معلولیت در بستر رسانه‌ای امروز است.



معرفی: مهدیه خاکی، یکی از ورزشکاران دارای معلولیت پرتعداد اینستاگرامی است که در حال حاضر، ۱۵۶ هزار دنبال‌کننده و ۳۸۸ پست دارد.

تصویر شمارهٔ ۱: مهدیه خاکی

نام پروفایل اینستاگرام با نام خود او ثبت شده و تصویر پروفایلش، عکسی از او در لباس ورزشی مشکی‌رنگ است. در بخش بیوگرافی، خود را با عنوان‌هایی چون «Fitness Trainer» (مربی تناسب اندام)، «CrossFit Coach» (مربی کراس‌فیت)، و «Businesswoman» (یک زن اهل تجارت) معرفی کرده است. همچنین، آیدی صفحه کاری‌اش، که متعلق به یک باشگاه ورزشی ویژهٔ زنان و تحت مدیریت اوست، به همراه نشانی و شماره تماس باشگاه درج شده است. در پایان بیوگرافی، لینک وب‌سایت رسمی مجموعه و دسترسی مستقیم به واتساپ نیز قرار دارد. محتوای اصلی صفحه، بیشتر حول محور تمرینات، فعالیت‌ها، دستاوردهای ورزشی اوست. گاهی نیز تصویری از همسرش، مهرداد المیر، منتشر می‌شود؛ شخصی که خود نیز اینفلوئنسر و مالک یک کافه‌رستوران است. بیوگرافی صفحهٔ او به وب‌سایتی ارجاع می‌دهد که در آن، انواع قهوه و مدل‌های مختلف دستگاه‌های قهوه‌ساز به‌فروش می‌رسد و محتوای آن کاملاً

در خدمت تبلیغ محصولات مرتبط با فضای کافه است. مهدیه خاکی، بارها این صفحه را در صفحه شخصی‌اش معرفی و تبلیغ کرده است.

معرفی: فرزاد خلیلی، از جمله بلاگرهای پرمخاطب و تأثیرگذار در میان افراد دارای معلولیت در شبکه‌های اجتماعی است. تا زمان انجام این پژوهش، آخرین ویدئوی مصاحبه او در اینستاگرام با بازدیدی فراتر از ۲۰ میلیون نفر، بازتاب گسترده‌ای یافته است. در این ویدئو، او حادثه تصادفی را روایت می‌کند که زندگی‌اش را دگرگون کرده است؛ روایتی که در بخشی از آن می‌گوید: «زندگی را در یک دقیقه و ارزشمند بودن ثانیه‌ها» از نو فهمیده‌ام.



تصویر شماره ۲: فرزاد خلیلی

در زمان انجام این پژوهش، صفحه اینستاگرام او دارای ۱۵۶ هزار دنبال‌کننده و ۳۸۸ پست فعال بود. تصویر پروفایلش، عکسی با پس‌زمینه‌ای طوسی و پوشش ورزشی است که هویت حرفه‌ای او را بازتاب می‌دهد. در بخش بیوگرافی صفحه، خود را چنین معرفی کرده است: ورزشکار و مربی، مربی آنلاین بازیکن، عضو رسمی کمیته‌ی ISSA آمریکا، بازیکن پیشین تیم ملی جوانان والیبال نشسته و دوندۀ ماراثن. همچنین نشان می‌دهد که مورد حمایت نشان «بی‌م‌کث» است و در پایان بیوگرافی، آیدی صفحه اینستاگرام این نشان لوازم خانگی و لینک وبسایت رسمی آن درج شده است. بیشتر پست‌های این صفحه به فعالیت‌های ورزشی و حضور او در مسابقات (در داخل و خارج از کشور) اختصاص دارد. افزون‌براین، در برخی از پست‌ها، به آموزش حرکات ورزشی پرداخته شده و در بخش توضیح عکس‌ها، شرایط جسمانی و تجربه‌های شخصی پیش و پس از سانحه تصادف، با بیانی روشن و مستند شرح داده شده است.

معرفی: یاسمین اصغری، ساکن تهران است. در حال حاضر، ۱۶۳ هزار دنبال‌کننده و ۲۲۱ پست دارد. تصویر پروفایلش در هنگام انجام این پژوهش، با زمینه طوسی و تیپ ورزشی بوده است. در قسمت بیوگرافی صفحه‌اش نوشته است: Tennis player (بازیکن تنیس)، آیدی صفحه اینستاگرامی مربوط به تولید محتوا و تیزر تبلیغاتی همسرش، امیرحسین خانلو، که ظاهراً تدوین‌گر است، نیز در این بخش آمده است. در پایان نیز این جمله به زبان انگلیسی به چشم می‌خورد: «No matter how many times I fall. I will still rise»



تصویر شماره ۳: یاسمین اصغری

مهم نیست چند بار زمین بخورم، باز هم بلند خواهیم شد

تصاویری که یاسمین اصغری از خود به‌اشتراک گذاشته است، نشان می‌دهد که او متعلق به طبقه اجتماعی مرفه است. از لباس و کالاهای ورزشی مارک و گران‌قیمت استفاده می‌کند و همچنین، پست‌های تبلیغاتی از همکاری او با نشان‌ها و محصولات مختلف ایرانی و خارجی (مواد غذایی، طلا و جواهرات، مواد شوینده، پوشاک، مواد آرایشی و بهداشتی، و گوشی هوشمند) به‌گونه‌ای شفاف، قابل مشاهده است.

معرفی: سعید ضروری، نویسنده و ماجراجو، روزنامه‌نگار پیشین، نویسنده کتاب «زندگی ضروری»، ماجراجو و بنیان‌گذار گروه ماجراجویان معلول ایران. در لحظه انجام این پژوهش، ۲۹ هزار دنبال‌کننده و ۱۷۳ پست دارد و تصویر پروفایلش، چهره نیم‌رخ او با لباس قرمز ورزشی است. در قسمت بیوگرافی صفحه‌اش نوشته است: از اوج آسمان تا اعماق دریا و زمین، ماجراجویی و سفر می‌کنم. اینجا از آدرنالین، هیجان، و ماجراجویی‌هام می‌گم، همه ما یک #زندگی_ضروری داریم و در انتها لینک وبسایت (مربوط به ماجراجویی‌ها، مصاحبه‌ها، خرید کتاب زندگی ضروری، طرح ویلی و راه‌های تماس با او، ...) گذاشته شده است.



تصویر شماره ۴: سعید ضروری

بیشتر پست‌های او، همان‌گونه که در بیوگرافی صفحه‌اش نوشته است، مربوط به سفر و ماجراجویی‌هایش در دل طبیعت است و تنها چند پست از همسرش، که مربوط به مراسم ازدواج، حضور در کنفرانس، و... است، ثبت شده است.

معرفی: فاطمه، متولد ۱ فوریه ۱۹۸۹، اهل سفیدشهر از توابع شهرستان آران و بیدگل است. هنرمند نقاش با معلولیت ۸۵ درصد. او در حال حاضر، ۲۱۹ هزار دنبال‌کننده و ۴۱۰ پست دارد و تصویر پروفایلش، چهره شاد و لبخند او با شال رنگ گرم نارنجی است. در قسمت بیوگرافی صفحه‌اش، آیدی هادی خسروی را همراه با جمله «جهت همکاری با آی‌دی بالا در ارتباط باشید»، نوشته شده است. در ادامه بیوگرافی‌اش، دو جمله انگلیسی، که مربوط به مهارت و دریافت مدال شهروندان جهانی او می‌شود، آمده است:

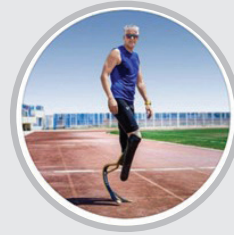
«Toe painting with 85% disability»: نقاشی انگشت پا با ۸۵٪ معلولیت
«Received the global citizen medal»: دریافت مدال شهروند جهانی



تصویر شماره ۵: فاطمه حمامی

همه پست‌های فاطمه، مربوط به هنر نقاشی است و از موفقیت‌های او در برگزاری نمایشگاه‌های هنری و حضور در برنامه‌های مختلف صداوسیما حکایت دارد.

معرفی: سجاد سالاروند، متولد دسامبر ۱۹۸۲ در لرستان، کوهنورد، دونده، و پلنورد است. صفحه او در حال حاضر، ۱۳۱ هزار دنبال کننده و ۵۷۷ پست دارد و تصویر پروفایلش، عکس تمام قدی است که در زمین چمن مصنوعی دو میدانی، با لباس ورزشی همراه با دو پای مصنوعی خود ایستاده است. در قسمت بیوگرافی صفحه اش نوشته است، سریع ترین مرد بدون پای ایران، بیا و ببین بدون پا چطور دنبال موفقیت می دوم؛ چون اعتقاد دارم، خدا هست. پس تو هم می تونی. در انتها آدرس لینک فیسبوک و کانال اینستاگرام (با نام سجاد سالاروند مرسی که کنارم هستی رفیق) گذاشته شده است.



تصویر شماره ۶: سجاد سالاروند

بیشتر پست های اینستاگرامی او، به شکل ویدئوهایی ثبت شده است که مربوط به تمرین های ورزشی در محیط باشگاهی و فضای باز است و کاور پست های ویدئویی اش، بیشتر با پس زمینه قرمز و متن نوشته سفید است که مربوط به جمله های کوتاه و انگیزشی می شود که در ادامه به طور کامل آمده است.

معرفی: هستی صادقی تبار، متولد ۲۹ اکتبر ۱۹۹۸ از استان گیلان. در هنگام انجام این پژوهش، صفحه او ۱۲۸ هزار دنبال کننده و ۲۰ پست دارد و پروفایل حساب کاربری اش، تصویر خودش روی ویلچر با سبزه عید نوروز که نماد حیات، زندگی، رویش، و... با لبخند و لباس و گل سر رنگ شاد (صورتی) است. در بیوگرافی صفحه او می خوانیم: لبخند یادتون نره (ایموجی قلب قرمز)، اینجا قراره از نگاه مثبت به زندگی نگاه کنیم. سپس، آیدی صفحه ای را گذاشته و نوشته است که این صفحه، توسط ادمین اداره می شود و تعداد دنبال کننده و پست کمکی دارد و محتوای آن مربوط به نحوه رزرو تبلیغات است. در پایان نیز لینک یوتیوب خود را گذاشته است.



تصویر شماره ۷: هستی صادقی تبار

در طول چند ماه گذشته، بیشتر پست و هایلایت های صفحه، توسط خودش پاک شد و هم اکنون یک هایلایت پاراگلایدر دارد که در آن تمرینات و آموزش خلبانی پاراگلایدر دیده می شود که دو صفحه مربوط به این فعالیت ورزشی (آکادمی خلبانی گیل گلایدر و حمید محمودی) ثبت شده است.

مهران بیرامی، فردی از طبقات مرفه جامعه است و تصاویری از فضای مجلل خانه، ماشین اشرافی، سفرهای خارج از ایران، و... پست و استوری می گذارد که سبک زندگی مرفه، سالم، و ورزشی را برای دنبال کنندگان صفحه تداعی می کند. بیرامی در صفحه اش به تعداد کمتر از انگشتان دست، تصاویری

از خانواده‌اش گذاشته است، که مربوط به مادر و خواهر و خواهرزاده‌های اوست که گاهی از روزمرگی در کنار خواهرزاده‌اش (نیان) استوری و پست‌هایی ثبت شده است. در تعدادی از پست‌ها و استوری‌ها، مکمل‌های ورزشی (پروتئین کینگ‌وی رونی کلمن آمریکا) را تبلیغ می‌کند.

معرفی: مهران بیرامی، قهرمان پرورش اندام ایرانی، متولد ۲۸ می ۱۹۸۹ است. تصویر پروفایلش مربوط به شرکت در مسابقات پرورش اندام در ایران است. صفحه او، در حال حاضر ۱۲۶ هزار دنبال‌کننده و ۴۹۲ پست دارد و در بیوگرافی صفحه به انگلیسی نوشته است: «Mens physique classic»، به همراه ایموجی پرچم ایران که نشان دهنده ملیت اوست.
«Fitness» (تناسب اندام)
«healthy lifestyle» (سبک زندگی سالم)



تصویر شماره ۸: مهران بیرامی

با علامت (+) پیکان روبه‌پایین، به آیدی تلگرام خود اشاره کرده که راه ارتباطی برای دریافت برنامه غذایی سالم و تمرینات ورزشی است.

معرفی: در حال حاضر پروفایلش، تصویری از چهره او است که دست زیر چانه گذاشته و لبخند ملیحی دارد. مانتو کتی سفید و شال قهوه‌ای‌رنگ بدون حجاب کامل. هم‌اکنون صفحه او ۳۳/۶ هزار دنبال‌کننده و ۳۶۱ پست دارد و اسم صفحه اینستاگرامش «asaremosbat» است. در ابتدای بیوگرافی صفحه نوشته شده است: اثر مثبت. سارا یوسفی هستم؛ دیجیتال‌مارکتر نابینا، فعال در حیطه طراحی و مسئولیت اجتماعی و دسترس‌پذیری کسب‌وکارها در ارائه خدمات به معلولین. در پایان نیز وب‌سایت اثر مثبت (آزمون‌ها، برنامه تقویت اراده، پادکست، پرورش خلاقیت، در اثر مثبت چه خبره؟، راه‌های افزایش تمرکز، قفسه کتاب‌ها، مقالات و ویدئوهای آموزشی، و...) گذاشته شده است؛ برای مثال، گزینه آزمون‌ها، به آزمون کنترل خشم مربوط می‌شود که با پرداخت مبلغی، این دوره آموزشی همراه با شماره تماس مدرس، در اختیار خریدار قرار می‌گیرد (همه دوره‌ها با مبلغی قابل‌خریداری است و تنها چند مورد به‌صورت رایگان قرار داده شده است).



تصویر شماره ۹: سارا یوسفی

همه پست‌های سارا یوسفی (که بیشتر ویدئو است) با چیدمان مرتب و کاور مشخص و متن نوشته‌شده به رنگ نارنجی است و محتوای صفحه او برای نشان دادن موفقیت و عدم تفاوت جدی میان فرد نابینا

و بینا است. در هیالیت‌هایش به داستان زندگی شخصی و نابینا شدنش اشاره کرده و سایر هیالیت‌ها مربوط به دوره‌های آموزشی و چالش‌های مختلف است.

معرفی: متولد ۲۳ آگوست ۲۰۰۰ در شهرستان نورآباد لرستان است. در حال حاضر اسم صفحه اینستاگرامش، «yadi_tiger» است و تصویر پروفایلش، عکس تمام‌قد اما پشت‌به‌دوربین او در فصل زمستان است. او ۱۴۵ هزار دنبال‌کننده و ۲۸۱ پست دارد و در توضیحات بیوگرافی‌اش نوشته است: تک‌پای تکرارنشده (پارکور)، دارنده رکورد جهانی گینس و در پایان، لپنک کانال اینستاگرامی که تعدادی از پست‌هایش را گذاشته، آمده است (صفحه اینستاگرام گینس، ویدئویی از یدالله غلامی، پارکورکار ۲۳ ساله اهل نورآباد لرستان را منتشر کرده است که با پرش ۱۳۵ سانتی‌متری، رکورد بلندترین پرش عمودی روی سکو با یک پا را در گینس ثبت کرده است).



تصویر شماره ۱۰: یدالله غلامی

همه پست‌های او، دربردارنده حرکات و پرش‌های نمایشی و زیبایی ورزش پارکور است. در یکی از کپشن‌ها نوشته است:

«من پارکور رو با قلب انجام می‌دم، نه فقط با پا. محدودیت‌ها فقط مرزی برای کسانی است که تسلیم می‌شوند. من عاشق پروازم حتی با یک پا.»

۷. طبقه‌بندی و تحلیل مضامین نهایی

برپایه اطلاعات به‌دست‌آمده از مشاهده صفحات اینستاگرام اینفلوئنسرهای دارای معلولیت ایرانی، می‌توان از وجود چهار مضمون اصلی در صفحات این کاربران سخن گفت که در پیوند با مفهوم بدن و امید قرار می‌گیرند: «من توانمند»، «بدن زیبای من»، «روزمره‌گی منحصر به فرد من» و «خانواده خوشبخت من».

۷-۱. من توانمند

از دو مضمون فرعی «خودآشکارسازی» و «اعتباربخشی به‌واسطه اینستاگرام» به‌عنوان نمایش «من توانمند» رسیده‌ایم. واقعیت این است که این ویژگی اینستاگرام است که کاربران را ترغیب می‌کند تا بهترین اجرا و ارائه خود را به‌نمایش بگذارند. افراد با اشتراک‌گذاری عکس، ویدئو، و متن، تلاش می‌کنند به ایده‌آل خود نزدیک شوند و اجرایی بی‌نقص ارائه دهند. اینفلوئنسرهای دارای معلولیت ایرانی، پس از گذر از سختی‌ها و رسیدن به پذیرش در زندگی، بخش‌هایی از زندگی خود را که

نشان‌دهنده «بهترین» و «توانمندترین» لحظه‌هایشان است، به‌نمایش می‌گذارند. اگرچه این نمایش «من توانمند» گزینشی است، اما این افراد، زوایای انتخابی خود را از زندگی در صفحه اینستاگرامشان بازتاب می‌دهند. این موضوع، نشان‌دهنده تلاش اینفلوئنسرهای توان‌یاب برای نمایش متناقض‌نمای توانمندی در کنار معلولیت خود است؛ درحالی‌که مخاطبان، آن‌ها را تحسین می‌کنند. آن‌ها به داستان زندگی خود و چگونگی رویارویی با معلولیت اشاره می‌کنند و درعین‌حال، ذهنیت فراتر از کلیشه‌های معمول درباره افراد دارای معلولیت را به‌چالش می‌کشند. اینفلوئنسرهای دارای معلولیت تلاش می‌کنند، خود و محیط خود را به‌عنوان افرادی با قابلیت‌های برابر با افراد سالم، نشان دهند. علایق، حرفه‌ها، و اهداف برای همه یکسان است. صفحه‌های اینستاگرام این افراد نشان می‌دهد که امید، پذیرش زندگی، و تلاش برای رسیدن به اهداف، اولویت نخست زندگی‌شان است. به‌نظر می‌رسد، ورزش، طبیعت‌گردی، و خلق آثار هنری، فارغ از نوع نقص یا ناتوانی، راهی برای این افراد بوده است تا «من توانمند» را به‌نمایش بگذارند. در پژوهش حاضر، بیشتر اینفلوئنسرهای انتخاب‌شده، از نمایش معلولیت خود در اینستاگرام برای تبلیغات و کسب درآمد استفاده کرده‌اند. هنگامی‌که این افراد به‌عنوان الگوهایی از «امید و توانمندی» شناخته شوند، حضورشان در تبلیغات، تأثیرگذارتر و باورپذیرتر است. واکنش‌های اجتماعی در اینستاگرام، گاهی به‌موجب تبدیل می‌شود که کل بستر اینستاگرام را فرامی‌گیرد. بااین‌حال، در مورد اینفلوئنسرهای دارای معلولیت ایرانی، بیشتر دیده شده است که آن‌ها واکنش‌های محدودی به نگاه مردم دارند و کمتر موضوع مسائل اجتماعی مرتبط با فضاهای شهری برای معلولان را مطرح می‌کنند.

۷-۲. بدن زیبایی من

موضوع فرعی «معنا بخشیدن به بدن» و مفهوم «بدن ناقص اما کامل» از دل عنوان اصلی «بدن زیبایی من» شکل گرفته است. همان‌گونه که در مقدمات بحث درباره نگرش بدن ایده‌آل و خودنمایی بدنی اشاره شد، در فضای اینستاگرام، بدن زیبا، معمولاً به‌معنای تصویر بی‌عیب‌ونقصی از بدن به‌نمایش گذاشته می‌شود؛ بدنی که هیچ نقصی ندارد و تنها بر زیبایی‌های ظاهری تمرکز می‌کند. اما در مقابل این دیدگاه سنتی و رایج، اینفلوئنسرهای دارای معلولیت در ایران، با به‌اشتراک گذاشتن تصاویر خود درحال انجام فعالیت‌های گوناگون ورزشی، هنری، و روزمره، تلاش می‌کنند تعریف متفاوتی از زیبایی بدن ارائه دهند؛ بدنی که شاید به‌لحاظ معیارهای مرسوم، ناقص باشد، اما به همان اندازه، کامل، ارزشمند، و قابل تحسین است. آن‌ها نشان می‌دهند که بدن ناقص هم می‌تواند جلوه‌گر زیبایی و قدرت باشد و هیچ الزامی نیست که زیبایی، تنها در بدن‌های بی‌نقص خلاصه شود.

از این منظر، می‌توان گفت، این اینفلوئنسرها در فرایند «معنا بخشیدن به بدن»، نقش بسیار فعالی ایفا می‌کنند؛ بدنی که در نگاه جامعه، معمولاً محدودیت‌زا است یا کمتر دیده می‌شود، با تلاش و نمایش توانایی‌ها و ویژگی‌های خاص خود، به شکل یک بدن «زیبا» و الهام‌بخش بازتعریف می‌شود. این تلاش‌ها به نوعی اعتراض و چالش علیه هنجارهای اجتماعی و استانداردهای ظاهری غالب به شمار می‌آید که زیبایی را تنها به یک الگوی یکسان و ایده‌آل محدود می‌کنند.

در بستر گسترده شبکه‌های اجتماعی و به‌ویژه اینستاگرام، اینفلوئنسرهای دارای معلولیت از بدن خود به‌عنوان یک رسانه قدرتمند بهره می‌گیرند و روایت نوینی از توانمندی، امید، و مقاومت را می‌آفرینند. بدن آن‌ها نه تنها یک تصویر ساده برای دیده شدن، بلکه یک پیام‌بر انگیزشی و نمادی از قدرت تغییر و پشتکار است. نمایش بدن این افراد، فراتر از یک تصویر زیبایی‌شناسانه صرف، حامل معانی عمیق‌تری همچون پذیرش، قدرت درونی، و هویت مثبت است که می‌تواند بر مخاطبان گسترده‌ای تأثیرگذار باشد و به تغییر نگرش‌های سنتی درباره معلولیت و زیبایی کمک کند.

۷-۳. روزمرگی منحصر به فرد من

«روزمرگی منحصر به فرد من»، مفهومی است که به تأکید بر سبک زندگی فردی، خاص، و متفاوتی در بستر شبکه‌های اجتماعی (به‌ویژه اینستاگرام) اشاره دارد. در این فضا، هر کاربری سعی می‌کند با به اشتراک‌گذاری تصاویر، ویدئوها، و کپشن‌هایی که رنگ‌وبوی زندگی شخصی‌اش را دارند، نوعی روایت خاص و منحصر به فرد از روزمرگی خویش بسازد؛ روایتی که از یک سو نمایش ساده‌ای از لحظه‌های زندگی است، و از سوی دیگر، تلاشی است برای بازتعریف معنا و ارزش در زیست روزمره. در این چارچوب، زندگی نه یک فرایند تکراری و خنثی، بلکه بستری برای تأکید بر تفاوت، مقاومت، و امید به شمار می‌آید.

برای اینفلوئنسرهای دارای معلولیت، این مفهوم، ابعاد عمیق‌تر و تأثیرگذارتری پیدا می‌کند. در روایت‌های آن‌ها از روزمرگی، تنها با نمایش لحظه‌های گذرایی از روز، مانند خوردن یک وعده غذا یا حضور در یک مکان زیبا روبه‌رو نیستیم، بلکه با بازنمایی کنش‌مندانه سبک زندگی‌ای روبه‌رو هستیم که در آن تلاش برای حفظ امید، پویایی، و معنا یافتن در زندگی روزمره، برجسته است. برخلاف جریان غالب در اینستاگرام که روزمرگی را با تصاویری از زندگی اشرافی، خوراکی‌های تجملی، و سفرهای گران‌قیمت پیوند می‌زند، اینفلوئنسرهای معلول ایرانی، با انتشار ویدئوهایی از فعالیت‌های ورزشی، هنری، یا حتی کارهای روزمره‌ای مثل رفت‌وآمد یا تعامل با خانواده، شکل متفاوتی از زیستن را روایت می‌کنند که محور اصلی آن، تأکید بر مبارزه، رشد فردی، و معنا یافتن در زیست روزانه است.

درواقع، «روزمرگی منحصر به فرد» برای این افراد، نه تنها به نمایش خاص بودن زندگی آن‌ها به‌رغم

یا به واسطه معلولیتشان اشاره دارد، بلکه به نوعی بازتعریف «زندگی خوب» نیز منجر می‌شود. این بازتعریف، دربردارنده مؤلفه‌هایی چون رضایت‌مندی از زندگی باوجود محدودیت‌ها، نگاه مثبت به رویدادها و چالش‌ها، نمایش سبک زندگی فعال و سالم، و باور به تأثیرگذاری فردی در جامعه است. نکته کلیدی درباره سبک زندگی اینفلوئنسرهای دارای معلولیت، تلاش آگاهانه برای انتقال انرژی مثبت به دیگران است. آن‌ها با لبخند، رنگ‌های شاد، محتوای انگیزشی در کپشن‌ها، و به‌نمایش گذاشتن فعالیت‌های نیروبخشی مانند ورزش، هنر، یا یادگیری، نه تنها خود را از فضای ترحم‌برانگیز دور می‌کنند، بلکه سعی می‌کنند الگوی تازه‌ای برای زیستن ارائه دهند؛ الگویی که در آن، نشاط، معنا، و انگیزه، نه با نفی نقص، بلکه با پذیرش آن و تبدیلیش به نقطه قوت، همراه است. از این منظر، «روزمرگی منحصر به فرد» به ابزاری برای بازسازی هویت، گسترش دایره تأثیر اجتماعی، و تغییر نگاه مخاطبان به مفاهیمی چون زیبایی، موفقیت، و رضایت از زندگی، تبدیل می‌شود.

۷-۴. خانواده خوشبخت من

از دل مضامین فرعی‌ای همچون «آغوش امن و گشوده اعضای خانواده برای یکدیگر» و «خانواده همیشه‌حاضر»، عنوان کلی «خانواده خوشبخت من» شکل گرفته است؛ عنوانی که به‌ویژه در میان اینفلوئنسرهای دارای معلولیت ایرانی، رنگ‌وبوی خاص و تأثیرگذاری پیدا می‌کند. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، بخشی از کارکرد اینستاگرام، به خلق زیبایی و نمایش آن مربوط می‌شود؛ فضایی که در آن، کاربران به‌گونه‌ای محتوا تولید می‌کنند تا جهان اطراف خود را زیباتر، دل‌انگیزتر، و آرمانی‌تر به‌تصویر بکشند. در این میان، مفهوم «خانواده» نیز از این قاعده مستثنا نیست و معمولاً در قامت منبعی سرشار از عشق، امنیت، و ثبات به‌تصویر کشیده می‌شود.

در صفحه‌های اینفلوئنسرهای دارای معلولیت، خانواده نقشی محوری دارد. آنچه در این صفحه‌ها دیده می‌شود، تنها بازنمایی پیوندهای خانوادگی نیست، بلکه ارائه تصویری آرمانی از رابطه‌ای عاطفی و انسانی است که در آن عشق، درک متقابل، حمایت، و همدلی در مرکز توجه قرار گرفته‌اند. در کپشن‌ها و استوری‌ها، همسر به‌عنوان پشت‌وپناه معرفی می‌شود، پدر و مادر به‌عنوان تکیه‌گاه عاطفی و معنوی، و خواهر یا برادر به‌عنوان همراهان وفادار. حتی دوستان نیز نه در حاشیه، بلکه در مرکز دایره روابط نزدیک و معنادار این افراد قرار دارند.

نکته مهم این است که نمایش خانواده در این صفحه‌ها، تنها نوعی نمایش رمانتیک و ایده‌آلیستی نیست، بلکه پاسخی به چالش‌های زیسته این افراد نیز هست. آن‌ها از سختی‌ها و محدودیت‌های زندگی می‌گویند، اما در کنار آن، با تأکید بر نقش خانواده در کنار آمدن با این دشواری‌ها، تصویر چندلایه‌ای

از «زیستن با امید» ارائه می‌دهند. خانواده، در این معنا، نه تنها محل استقرار عشق و صمیمیت، بلکه بستری برای بازیابی معنا، تاب‌آوری، و استمرار زندگی روزمره است. در واقع، در بسیاری از این روایت‌ها، همراهی اعضای خانواده نه به‌عنوان امری طبیعی و بدیهی، بلکه به‌عنوان موهبت و امتیازی ارزشمند دیده می‌شود؛ موهبتی که زیستن با آن، کیفیت متفاوتی به تجربه معلولیت می‌بخشد. تصویر «خانواده خوشبخت» در این روایت‌ها، برخلاف برداشت سطحی از خوشبختی، یعنی رفاه مادی یا سبک زندگی اشرافی، بیشتر ناظر بر تجربه‌های عاطفی اصیلی همچون تعلق، حمایت بی‌قیدوشرط، و همدلی عمیق است. سرانجام باید گفت، اینفلوئنسرهای دارای معلولیت با بازنمایی چنین تصاویری، نه تنها به عادی‌سازی وضعیت خود در فضای عمومی کمک می‌کنند، بلکه با ارائه روایتی انسانی، الهام‌بخش، و مثبت از نقش خانواده، نگاه مخاطبان به مفهوم «خانواده» را نیز بازتعریف می‌کنند؛ خانواده‌ای که در آن نقص، ضعف، یا رنج، نه مایه شرمساری، بلکه فرصتی برای همبستگی، عشق، و رشد مشترک به‌شمار می‌آید.

نتیجه‌گیری

مطالعه ۱۰ حساب کاربری اینفلوئنسرهای دارای معلولیت در اینستاگرام نشان می‌دهد که این کاربران با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بصری و روایی شبکه‌های اجتماعی، تصویر تازه، پیچیده، و گاه متناقضی از معلولیت خلق کرده‌اند. بدن در این روایت، نه تنها به‌عنوان ابژه‌ای پزشکی‌ناتوان، بلکه چونان ابزاری فرهنگی، انگیزشی، زیبایی‌شناسانه، و اقتصادی بازنمایی شده است. این بازنمایی‌ها، از یک سو، می‌تواند کارکردهایی چون ترویج امید، الهام‌بخشی، افزایش آگاهی عمومی، مشارکت در فرهنگ‌سازی، و پذیرش اجتماعی داشته باشد و از سوی دیگر، با گره خوردن با منطق بازار، تبلیغات، و سرمایه نمادین، به روند کالایی‌سازی بدن و تجربه زیسته افراد دارای معلولیت منتهی می‌شود.

این بخش از یافته‌های پژوهش، با نتایج پژوهش خانیکی^۱ و مراقی^۲ (2022) همخوانی دارد که به نمایشی شدن زندگی روزمره در شبکه‌های اجتماعی اشاره کرده‌اند و طبقه‌بندی به‌دست‌آمده از تحلیل مضمون این پژوهش نیز طبقه‌بندی راودراد^۳ و گیشنیزجانی^۴ (2017) را تأیید می‌کند که انواع حضور در اینستاگرام را به تیپ‌های اجتماعی، نمایشی، و زیبایی‌شناختی تقسیم کرده است؛ زیرا، خود

1. Khaniki
2. Maraghi
3. Ravadrad
4. Gishnizjani

به‌تصویردرآمده در حساب کاربران دارای معلولیت را می‌توان خودی زیبایی‌شناسانه و درعین‌حال، اجتماعی و نمایشی به‌شمار آورد؛ نگاهی که می‌تواند تصویر الهام‌بخشی از افراد دارای معلولیت ترسیم کند؛ افرادی که باوجود چالش‌ها و سختی‌ها، امید و انگیزه را در جامعه گسترش می‌دهند. آن‌ها با نمایش توانمندی‌های خود، راه‌هایی را به‌سوی اهداف و آرزوها باز می‌کنند و به دیگران انگیزه می‌دهند تا با چالش‌های زندگی مقابله کنند.

اینفلوئنسرهای مورد‌مطالعه، از بدن خود برای تولید معنا، ایجاد ارتباط، و کسب مشروعیت اجتماعی بهره می‌برند و درعین‌حال، با استفاده از فنون انتخابی در عکاسی و بازنمایی، نوعی «بدن نمایشی» خلق می‌کنند که بین آشکارسازی و پنهان‌سازی در نوسان است. همین امر سبب می‌شود که بدن، هم به‌عنوان عنصری برای تأکید بر توانایی‌ها و هم به‌عنوان ابزاری برای گذر از مرزهای هویت بدن دارای معلولیت، عمل کند. آن‌ها هم‌زمان درحال عادی‌سازی معلولیت و نیز در تلاش برای گذر از کلیشه‌های آن با تکیه بر استانداردهای زیبایی و عملکردی رایج در فضای اینستاگرام هستند.

افزون‌براین، پیوند فزایندهٔ این سبک از بازنمایی با منطق بازار و همکاری با نشان‌های اقتصادی، پیامدهای چندگانه‌ای دارد. هرچند چنین همکاری‌هایی می‌تواند فرصت‌هایی برای بهبود جایگاه اجتماعی و اقتصادی اینفلوئنسرها ایجاد کند و بر تنوع و شمول اجتماعی تأکید ورزد، اما در سطحی انتقادی، این فرایند را نیز می‌توان بخشی از نظام گسترده‌تر مصرف و کالایی‌سازی بدن در شبکه‌های اجتماعی دانست. در این چارچوب، حتی بدن دارای معلولیت نیز در معرض فرایندهای برندینگ، تبلیغات، و ارزش‌گذاری اقتصادی قرار می‌گیرد.

سرانجام، می‌توان گفت، اینفلوئنسرهای دارای معلولیت در اینستاگرام، با زیست‌نمایشی خود در دل پلتفرم‌های دیجیتال، فضاهای تازه‌ای را برای بازتعریف هویت و تجربهٔ معلولیت گشوده‌اند. این بازتعریف هم‌زمان حامل مؤلفه‌هایی از کنشگری فرهنگی و خطرهای هم‌نشینی با منطق سرمایه‌داری است. چالش پیش‌رو این است که چگونه می‌توان میان استفاده از فرصت‌های فضای مجازی برای آگاهی‌بخشی، همبستگی، و توانمندسازی، و درعین‌حال، پرهیز از بازتولید نابرابری‌ها و بهره‌کشی سرمایه‌دارانه از بدن افراد دارای معلولیت، تعادل برقرار کرد. این موضوع، عرصه‌ای را برای تأملات نظری و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی آینده فراهم می‌کند.

References

- Abdosamadi, A., Masoudi, O. A., & Mohammad Taheri, M. R. (2022). Recognizing the way of representing people with disabilities in social media and improvement of their lives. *MEJDS*, 13, 34–34. [In Persian]
- Ameli, S., Nazemi, S., & Sabbar, S. (2024). The dual-spatialization and representation of national identity on Instagram. *Journal of Iranian Cultural Research*, 17(4), 5–30. <https://doi.org/10.22035/jicr.2024.3367.3632>. [In Persian]
- Ardekani Fard, Z., & Razavizadeh, N. (2020). Patterns of Iranian celebrities' self-representation on the Instagram social network. *New Media Studies*, 6(22), 217–240. <https://doi.org/10.22054/nms.2021.32891.503>. [In Persian]
- Barnes, E. (2014). Valuing disability, causing disability. *Ethics*, 125(1), 88–113. <https://doi.org/10.1086/677021>
- Bonilla-del-Río, M., Figuereo-Benítez, J. C., & García-Prieto, V. (2022). Influencers with physical disabilities on Instagram: Features, visibility, and business collaboration. *Profesional de la Información*, 31(6). <https://doi.org/10.3145/epi.2022.nov.12>
- Cramer, E. M., Song, H., & Drent, A. M. (2016). Social comparison on Facebook: Motivation, affective consequences, self-esteem, and Facebook fatigue. *Computers in Human Behavior*, 64, 739–746. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2016.07.049>
- Equality Act 2010. (2010). <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2010/15/section/6>Fox, J., & Vendemia, M. A. (2016). Selective self-presentation and social comparison through photographs on social networking sites. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 19(10), 593–600. <https://doi.org/10.1089/cyber.2016.0248Gonzales>,
- A. L., & Hancock, J. T. (2011). Mirror, mirror on my Facebook wall: Effects of exposure to Facebook on self-esteem. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 14(1–2), 79–83. <https://doi.org/10.1089/cyber.2009.0411>
- Hume, L., & Mulcock, J. (Eds.). (2004). *Anthropologists in the field: Cases in participant observation*. Columbia University Press.
- Johnstone, D. (2012). *An introduction to disability studies*. Routledge.
- Kaplan, D. (2000). Perspective of the disability community. *Journal of Health Care Law and Policy*, 3(2), 352–364.
- Law on the Protection of the Rights of Persons with Disabilities. (n.d.). <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/94044>. [In Persian]
- Maraghi, M., & Khaniki, H. (2022). Semiotic analysis of embodiment among female Instagram users (Case study: two fashion designers). *Sociology of Culture and Art Quarterly*, 4(1), 42–62. <https://doi.org/10.34785/J016.2022.015>. [In Persian]
- Ravadrad, A., & Gishnizjani, G. (2017). Typology of re-presentation mediated body of Iranian Instagram users. *New Media Studies*, 3(10), 265–310. <https://doi.org/10.22054/cs.2017.22288.237>. [In Persian]
- Robertson, T. (2019). *The effect of media and beauty standards on the body image of women with a visual disability* (Master's thesis). University of North Carolina at Greensboro.
- Stockinger, M. (2022). *Disability in a world of influence: How the presentation of disabled influencers affects body image amongst the disabled community* (Master's thesis). University of Bergen.
- Taheri Kia, H. (2023). The formation of the professor-machine in the “Women, Life, Freedom” movement. *Journal of University Studies*, 2(1), 31–62. <https://doi.org/10.22035/jous.2024.5068.1045>. [In Persian]

Tollan, K. (2020). Exploring the development of identity and community amongst disabled youth on Instagram (Master's thesis). Brock University.

Veisi, S., Zokaei, M., & Entezari, A. (2022). Epistemic justice among youth: From cyberspace to policymaking. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 14(2), 1–27. <https://doi.org/10.22035/isih.2022.4652.4593>. [In Persian]